

مجموعه داستانک‌های

عاشورایی به کتابفروشی‌ها آمد

کتاب «ده؛ مجموعه داستانک‌های عاشورایی» نوشته جمعی از نویسندگان کانون ادبی بانوی فرهنگ راهی بازار نشر شد.

جشنواره ده با همکاری انجمن کوچک‌نویسان (کاف)، کانون بانوی فرهنگ و حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی برگزار شده است.

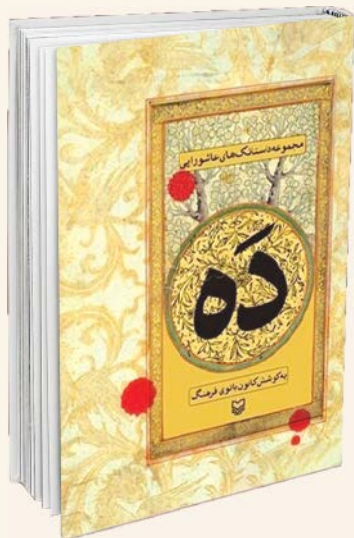
از مجموع ۴۳۰ اثر ارسالی، ۱۰۵ داستانک برای چاپ در این مجموعه انتخاب شده و همچنین داستان‌های برگزیده بخش نهایی جشنواره کلمات روضه خوان سال قبل نیز در این کتاب جمع‌آوری شده است.

باشگاه ادبی بانوی فرهنگ، به منظور هم‌افزایی بانوان نویسنده و علاقه‌مندان به نویسندگی توسط چند نفر از بانوان نویسنده کشور تشکیل شده است. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم:

«روی دیوار کوتاه مدرسه، بچه‌ها همین‌طور که نرده‌های روی دیوار را گرفته بودند، راه می‌رفتند. زن‌ها و مردهای سیاهپوش، موازی هم، این طرف و آن طرف حیاط نشستند. تعزیه‌ای که وسط حیاط می‌خواندند سر و صدا و گرد و خاکی راه انداخته بود که حتی بچه‌های روی دیوار هم سر به تماشا چرخانده بودند.

پسرکی از پایین، پشت لباس دخترکی را که نرده راول کرده بود، کشید. دختر افتاد و صدای جیغ زن‌ها بلند شد. مادر دختر یا حسین گویان خود را به دخترش رساند. سر دختر را که سربند یا حسینش کمی از خون خیس شده بود از روی جدول بلند کرد. صدای شیون زن و همه‌هم زن‌ها تعزیه را به هم زد. شمر با لباس قرمز و کلاه خودش بالای جمعیت ایستاد. تعزیه‌خوان‌ها دیگر نمی‌خواندند.

شمر دختر را بغل گرفت و به سمت در حیاط دوید. سربند «یا حسین» جلوی در مدرسه از سر دختر افتاد. مردی کنار ماشینی ایستاده بود که درهایش باز بود. شمر با احتیاط دختر را داخل ماشین گذاشت. مادر با چشمان پر اشک از او تشکر کرد و سوار شد. شمر برگشت. از در حیاط که توآمد، سربند «یا حسین» دخترک را برداشت و در حالی که نوشته سربند را می‌بوسید، دوباره وسط حیاط ایستاد.» انتشارات سوره مهر این اثر را در ۱۲۴ صفحه و با قیمت ۲۵ هزار تومان روانه بازار کرده است.



فصلنامه

سینما

نقد

یادداشت

گزارش

گفت‌وگو

۲۴ مرداد ۱۴۰۲

برای کتاب «سینمای شوروی» اثری از ژامی میلر

قابلیت‌های سینمای شوروی برای ارائه به جهانیان



مهدی نوری مقدم

مترجم و پژوهشگر



سینمای شوروی برای تمام سینما پژوهان، هنر آموزان سینما و علاقه‌مندان پروپاقرص آن اصطلاحی آشنا و البته قابل تعمق است. این ویژگی نه فقط معطوف به اسامی پرافتخاری است که با شنیدن آن در ذهن متبادر می‌شوند، بلکه به واسطه ویژگی ایدئولوژیک بودن آن نیز هست. از سال ۱۹۱۷ که انقلاب سرخ بلشویک‌ها به ثمر نشست و توده‌های مردم از هر صنف و نژادی، حکومت مستبد و خودکامه تزاری را سرنگون کرده و بنیاد حکومتی مبتنی بر کارگران و دهقانان را بنا کردند تا سال ۱۹۹۰ که این توهم حکومت مردم بر مردم در برابر اراده انسان‌هایی که نمی‌خواستند عده‌ای به‌زعم خود برگزیده خلق به جای آنها اندیشیده و برای تمام شئون زندگی عمومی و خصوصی آنها قانون وضع کنند، فرو ریخت. هنر سینما فیلم‌های زیادی را از این سرزمین در آغوش فشرد. فیلم‌هایی با طیفی از سرخی تا سبزی. از یک سو آثاری مانند اکتبر ۱۰ روزی که دنیا را تکان داد، رزمناو پوتمکین، شهروند بزرگ، مادر و مانند آنها که همگی با واقع‌گرایی سوسیالیستی، سعی در روایت مستقیم یا غیرمستقیم انقلاب سرخ را داشتند. در سوی دیگر فیلم‌هایی اساطیری یا قومی-قبیله‌ای.

به رأی اغلب صاحب‌نظران و سینماپژوهان، دوران زمامداری ژوزف استالین (نیمه دهه ۱۹۲۰ تا سال ۱۹۵۳) دیکتاتور سرخ، سخت‌ترین و البته بدترین بخش تاریخ سینمای شوروی است. در این سال‌ها به فرمان استالین هرگونه فعالیت هنری در شوروی باید تحت قواعد و ضوابط دیکته شده از سوی حزب انجام می‌شد. بی‌شک سینما از این قاعده مستثنا نبود به‌ویژه این‌که بلشویک‌ها نخست با استناد به جمله معروف لنین که گفته بود: «سینما مهم‌ترین هنر در میان همه هنرهاست» و همچنین با دقت در ویژگی‌های رسانه‌ای سینما، آن را ابزاری برای جلب حمایت توده‌ها و البته مشروعیت بخشی به خود می‌دانستند. اداره سینما، اداره دولتی صنعت فیلم و عکس، کمیته هنرها و ده‌ها اداره و کمیته و نهاد دیگر، مسئول نظارت بر تولید یک فیلم سینمایی از آغاز ارائه طرح تا صدور مجوز اکران آن بودند. از سوی دیگر حزب کمونیست از آغاز دوره استالین، سیاست «سینما برای توده‌های میلیونی مردم» را به عنوان استراتژی کلی تولیدات سینمایی کشور اعلام کرد. حال چگونه یک کارگردان می‌تواند با وجود این همه نظارت و باید و نباید، با تکیه بر خلاقیت خود فیلمی عامه‌پسند و درعین حال دارای ارزش‌های سینمایی تولید کند، خود امری دیگری است.

البته در این میان نباید از توانایی هنری کارگردانانی همچون آیزنشتاین، پودوفکین، کولشوف، ورتوف و برخی دیگر غافل ماند، چراکه این عده و چند نفر دیگر تا حد امکان خلاقیت خود را حتی در ساختن فیلم‌های فرمایشی نیز به‌کار برده و آثاری از خود برجای گذاشتند که هنوز هم سرمشق بسیاری از فیلم‌سازان است.

به هر روی آن دوران هر چه بود به پایان رسید و سینمای شوروی پس‌از آن توانست قابلیت‌ها و ویژگی‌های خود را در هنر سینما به جهانیان نشان دهد اما بررسی جنبه‌های مختلف صنعت سینمای شوروی از جمله فرآیند تولید،

اختصاص بودجه، فیلمنامه، آموزش، استودیوهای فیلمسازی، نهادهای نظارتی و... خود پژوهشی ضروری برای تمام سینماگران، دانشجویان سینما و سینمادوستان است که آقای ژامی میلر آن را به انجام رسانده و در این کتاب گرد هم آورده است.

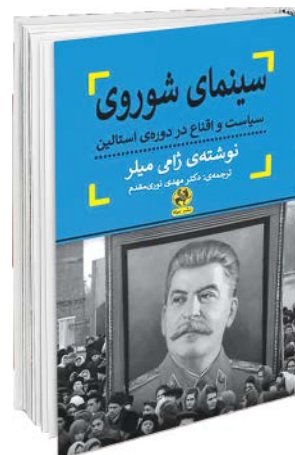
وی تاکنون چند کتاب در موضوعات هنری و غیر آن نگاشته است. این کتاب را می‌توان یکی از نادر کتاب‌هایی دانست که در زمینه سینمای شوروی آن هم از منظر تاریخ‌نگاری و تحلیل آن در دوره حکومت استالین تاکنون نگاشته شده است.

نخستین کتابی که درباره سینمای شوروی به فارسی نگاشته شد، کتاب «پژوهشی در تاریخ سینمای شوروی، ۱۹۳۱-۱۹۱۷» است که جناب آقای دکتر احمد ضابطی چهارمی در سال ۱۳۶۰ آن را به چاپ رساندند. پس از کتاب آقای دکتر، هیچ کتاب مهم و معتبری در مورد سینمای شوروی در ایران تألیف و ترجمه نشد تاکنون که کتاب سینمای شوروی، سیاست و اقتاع در دوره استالین به همت انتشارات پپله، تقدیم دیدگان شما خوانندگان محترم می‌شود.

این کتاب را به واسطه وسعت مطالب، صحت و تنوع منابع می‌توان یکی از بهترین کتاب‌ها در سطح جهان و نادر کتاب‌ها در ایران دانست که به سینمای شوروی پرداخته است. بنده نه فقط به عنوان مترجم این کتاب بلکه در جایگاه یک مدرس سینما، مطالعه آن را به تمام دانشجویان و هنرجویان سینما، سینماگران و علاقه‌مندان به سینما توصیه می‌کنم. بی‌گمان با خواندن این کتاب، مطالب بسیار مفیدی را خواهید آموخت.

بنده به دلیل شخصیت علمی، آثار نوشتاری و گفتاری کم‌نظیر، تأثیرات چشمگیر فنی و آموزشی در سینمای ایران و به‌رسم زیبایی احترام، تجلیل و بزرگداشت معلم، ترجمه این کتاب را به روح بلند و مهربان استاد فقید و عزیزم جناب آقای دکتر اکبر عالمی تقدیم کرده‌ام. نزدیک به ۳۰ سال پیش هنگامی که بنده در دانشگاه صداوسیما جمهوری اسلامی ایران در مقطع کارشناسی کارگردانی سینما و تلویزیون تحصیل می‌کردم، برای چندترم افتخار شاگردی و علم‌آموزی در محضر مرحوم آقای دکتر را داشتم. پس از آن نیز هرگاه در هر گردهمایی، سمینار و جشنواره‌ای مفتخر به دیدار ایشان می‌شدم، نادانسته‌هایم را از ایشان می‌پرسیدم و ایشان نیز با وجود کسالت و رنجوری جسمانی، بی‌دریغ به سؤال‌های من پاسخ می‌دادند.

متأسفانه بیماری کرونا، این استاد بی‌نظیر را از ما گرفت و جامعه سینمای ایران از هنرجو و دانشجو گرفتار استاد و کارگردان و تدوینگر و... را در غم ایشان دل‌شکسته کرد. جسم ایشان از بین مارفته است اما اثرات خوبی که وی بر هنر ایران به‌ویژه هنر سینما برجای گذاشتند هنوز پابرجاست و پابرجا خواهد ماند.



گواهینامه رانندگی به شماره ۹۹۰۰۴۷۳۱۲۴ و سریال (۷۱۴۳۲۰۱۰۷۴۷) به نام صادق نایی فرزند غلامحسین با کد ملی ۴۱۰۰۷۱۲۸۶۷ و مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی موتورسیکلت احسان ۷۷ سپر ۱۵۰ مدل ۱۳۹۳ به رنگ آبی شماره انتظامی ایران ۶۲۹ ۵۶۶۶۴ شماره موتور 0150N2N365436 شماره شاسی N2N***150A9313737 به مالکیت عبدالرحیم کیانی‌زهرانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو وانت پیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۸ به رنگ سفید روغنی شماره انتظامی ایران ۵۳-۶۳۱ ق ۷۵ شماره موتور 11488075110 شماره شاسی NAAA36AA8AG883701 به مالکیت محسن رجاء مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و کارت ماشین خودرو سواری دنا EF7 مدل ۱۳۹۳ به رنگ سفید روغنی شماره موتور 147H0110243 شماره شاسی NAAW01HE9EE003210 شماره پلاک ۸۴۲ و ۱۹ ایران ۸۲ به مالکیت نرجس محمدی فیروز مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.